

بازگشت به بارگاه حق

توبه، به معنای بازگشت بنده از عصیان و سرکشی و روی آوردنش به طاعت و عبادت است. انسان در این حالت، دل را از گناه و معصیت خالی کرده، خود را برای رسیدن به بارگاه قرب الهی مهیا می‌کند، زیرا تاریکی گناه، میان او و الطاف الهی، حجابی گسترده افکنده است. البته بنده‌ای که می‌خواهد از گناه برگردد، باید ایمان، یقین و اعتقاد به توحید و اعتماد به خدا را در وجود خویش احیا کند تا بدین وسیله، شعله‌های ندامت در اندرونش برافروخته گردد و بدین‌سان، از معاصی گذشته متأثر شده و حتی آرزو کند که ای کاش آن رفتار بد و کردار زشت از او صادر نشده و در کارنامه اعمالش ثبت نشده بود.^۱

خوبی؛ جایگزین بدی‌ها

قرآن کریم، در آیه ۷۰ سوره فرقان می‌فرماید: «مگر کسی که توبه کند، ایمان آورد و عمل شایسته انجام دهد». بر اساس این آیه، ایمان و عمل نیک، قدرت آن را دارد که سیئات را به حسنات تبدیل کند و در صورت توبه راستین، بدی‌ها از کارنامه آدمی حذف و اعمال خوب جایگزین آن شود.^۲

مثال روشن آن، کودها و زباله‌هایی است که در مزارع، بوستان‌ها و باغ‌ها ریخته می‌شود، اما همین ضایعات که مزاحم بهداشت و سلامتی انسان‌ها هستند و بوی بد آن‌ها همه را آزرده می‌سازد، توسط ریشه‌های گل‌ها و گیاهان جذب شده و تبدیل به موادی نیکو می‌شوند و در افزایش بوی خوش گل‌ها و مزه شیرین میوه‌ها و خواص محصولات مؤثر واقع می‌شوند.

آری، انسان شاید تصور نکند، این همه فضولات تنفرآور، روزی چنین به عطرافشانی در بوستان‌ها و طراوت محصولات باغ‌ها کمک خواهد کرد. مثال دیگر، بذره‌های میوه است که در درون خاک پوسیده کاشته می‌شود، اما رفته‌رفته این بذر، تبدیل به میوه‌ای خوش‌طعم یا گیاهی مفید خواهد شد.

این است معنای این آیه که: «پس خداوند، بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند».^۳ خوشا به حال آنان که از بدی‌ها توبه کرده و زهرها و سم‌ها را به شهد باحلاوت مبدل ساخته‌اند.

درهای باز را به روی خود نبندیم!

بنده‌ای که سراپایش در آتش خطا می‌سوزد و پشیمانی و حسرت، در دلش آتشی سوزنده برپا کرده است و به هیچ‌کس و هیچ‌چیز آمیدی ندارد تا او را از این وضع خطرناک و هلاک‌کننده رهایی ببخشد، متوجه چشمه پرفیض رحمت الهی می‌گردد که او را باز می‌خواند و خطاهایش را می‌بخشد، چراکه خداوند، در حق بندگان بسیار آمرزنده و مهربان است:

«و هرکس توبه کند و نیکوکار شود، البته ندامتش به درگاه حق، قبول می‌شود».^۴

و این تا زمانی است که نفس در رفت و آمد بوده و فرصت باقی است و آلا پس از گذر فرصت، حسرت سودی ندارد. در حقیقت، توبه، پرتوی از فضل عظیم الهی و دری همیشه گشوده از رحمت پروردگار است، و بدبخت کسی است که خود را از این درگاه محروم کند و روز قیامت در مقام عذرخواهی بگوید: «خدا! نادان بودم، گرفتار غضب و شهوت گشتم و در برابر وسوسه‌های شیطانی عاجز شدم و...». در برابر این عذرها به او گفته می‌شود: «مگر برای تو راهی قرار ندادیم، چرا این راه را بر روی خود بستی؟»

البته توفیق توبه را نیز باید از خداوند بخواهیم.

پنجره باز رحمت

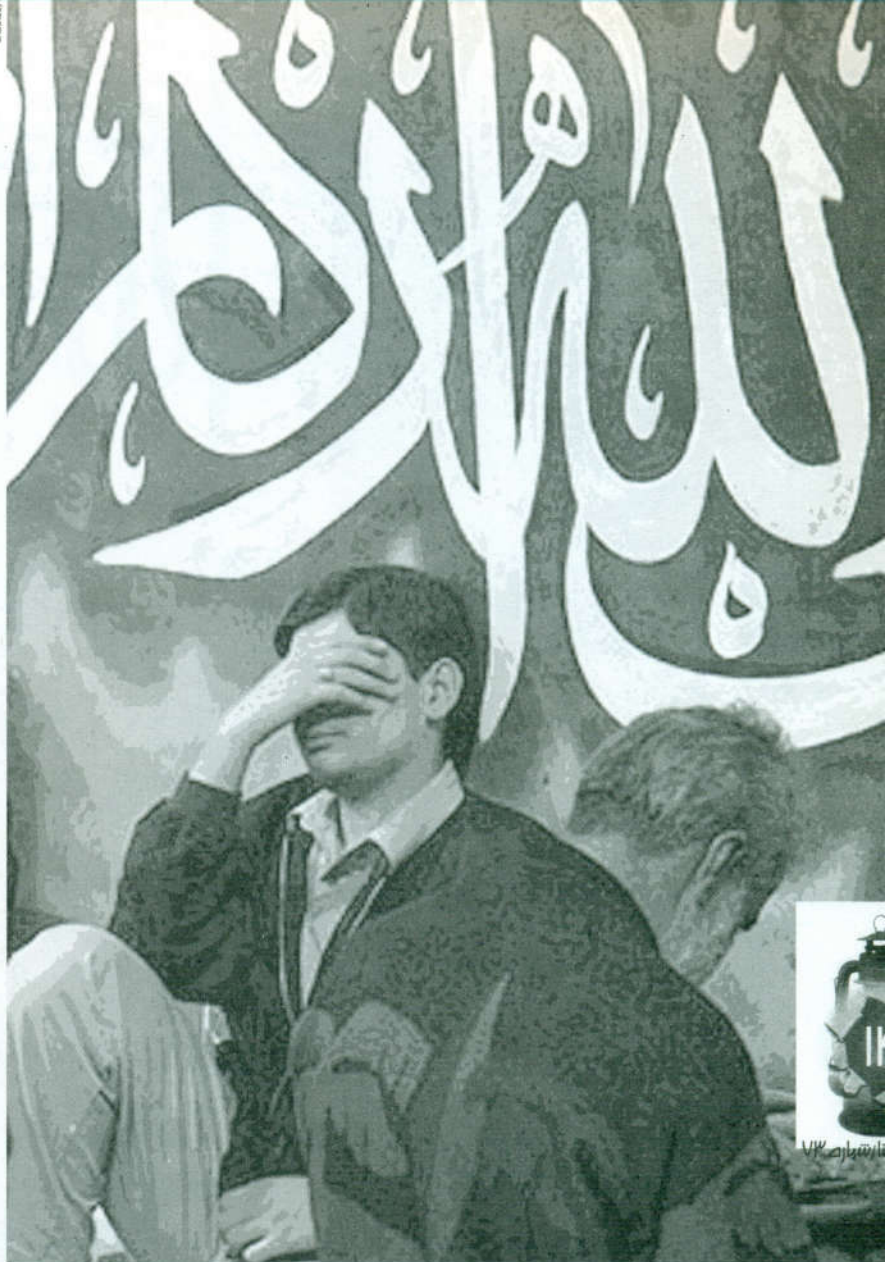
در موضوع توبه، حساب همه افراد یکسان نیست. تفاوت‌ها، شرایط و نوع غفلت‌ها، جهالت‌ها و اغراض و مقاصد افراد در قبولی ندامت، اثرهای گوناگونی می‌گذارد.

در سال نهم هجرت که بنا بود مسلمانان برای غزوه تبوک به قلمرو روم بروند، سه نفر از مسلمانان، بدون هیچ‌گونه عذری، در مدینه ماندند و نشستند در خانه را بر نبرد در راه خدا ترجیح دادند. چون لشکر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از آن غزوه بازگشت، این سه نفر، به استقبال رفتند و بر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله سلام کردند، اما خاتم رسولان از ایشان روی برگردانید و به عذرخواهی آنان اعتنایی نفرمود، مردم نیز تبعیت کردند و با این سه نفر قطع رابطه کردند. تا جایی که به قول قرآن، چنان شرایط، برای آنان سخت و آشفته شد که زمین با آن وسعت و فراخی، بر آنان تنگ شد و به‌ناچار به کوه‌ها پناه بردند. در این حالت، خداوند توبه آنان را پذیرفته و در پرتو عنایت پیامبر و جامعه اسلامی قرار گرفتند.^۵

در واقع، آن‌گاه که متوجه شدند پناهگاهی جز خدا ندارند، ندامت آنان نتیجه داد.

توبه؛ بازگشت به شناخت و معرفت

از قرآن چنین برمی‌آید که توبه کسانی پذیرفته می‌شود که از روی جهالت، یا بر اثر غلبه هوی و هوس گناه کنند، ولی بعد، به یک نوع معرفت و خودآگاهی برسند و از این مسیر بازگردند، والا بعد از قطعی شدن مرگ و آشکار شدن نشانه‌های آن، توبه قبول نمی‌شود. علت عدم پذیرش ندامت در این حالات، آن است که ناامیدی از زندگی و خوف قیامت، او را ناگزیر به ندامت کرده و آن‌گاه که نه مجالی برای حیات دنیوی و نه فرصتی برای عملی مفید و صالح هست، پشیمانی سودی نخواهد داشت و این بازگشت، بازگشتی



یک بار اما برای همیشه

غلام‌رضا گلی زواره

توبه‌کننده باید حقوق تضییع‌شده مردم را جبران نماید و حق الناس را به طور کامل پرداخت کند و رضایت افرادی را که حقوق‌شان را تباه ساخته جلب نماید



چون خداوند، علیم و حکیم است و به این ضعف‌ها و نقص‌های بشر آگاه است و می‌داند انسان در راه کمال، گاهی دچار اشتباه و خلاف می‌شود، لذا در توبه را برایش باز می‌گذارد و با اصلاح مسیر، به بنده‌اش اجازه می‌دهد، تا راه خود به سوی کمال را ادامه دهد

وارستگی از وابستگی

برای ساختن خود، باید ابتدا وابستگی‌های درونی و بیرونی را از بین برد. جاذبه‌هایی که انسان را به پستی می‌کشاند و او را به خوش‌گذرانی و عیش و نوش دعوت می‌کند، باید قاطعانه تحت کنترل ایمان و خرد درآید.

انسانی که صفحه افکار وجودش پاک و پیراسته شد و آفت‌های درونی را از بوستان خویش زدود، بهتر می‌تواند به شکوفایی برسد. غیر از این آفت‌زدایی، باید شاخ و برگ‌های اضافی که مانع رشد اصلی هستند، کنترل و احیاناً حذف شوند تا درخت وجود بتواند برگ و بار مفید دهد. یک باغبان، به آفت‌کش، مراقب است که گیاهان به آفت‌ها و مزاحم‌های مرگ‌آور مبتلا نشوند، اما کسی که آگاهی ندارد، فکر می‌کند آن باغبان، درختان باغش را مسموم می‌کند! آن‌گاه که باغبان با اره، شاخ و برگ‌های درختان را قطع می‌کند. شاید در نگاه اول، تصور شود او با باغ خویش سر ناسازگاری دارد و می‌خواهد این درختان سرسبز را از نعمت رشد و شکوفایی محروم کند ولی او می‌خواهد درخت از برخی وابستگی‌های مضر رها شود تا بهتر بتواند طراوت خود را به دست آورد.

آدمی هم در مسیر کمال‌طلبی و در جاده حقیقت، چنین وضعی دارد. باید موانع را از سر راه خود بردارد و به اصلاح خویش بپردازد و پیرایش و پالایش شده به سوی معبود گام بردارد.

پس باید فرصت‌ها را غنیمت شمرد و با چراغ توبه، تاریکی‌ها را روشن کرد.

پله‌های پاکی

شخص تائب، باید تصمیم قاطع بر ترک معصیت بگیرد و اگر احیاناً به دلیل طغیان نفس و اغوای شیطان به گناه روی آورد، بلافاصله عزم بر ترک آن کند. چون استغفار او، با مداومت بر گناه، پذیرفته نمی‌شود. چنین کسی به فرمایش امام رضا علیه‌السلام، خدای خویش را مسخره می‌کند.^۸

توبه‌کننده باید حقوق تضییع‌شده مردم را جبران نماید و حق الناس را به طور کامل پرداخت کند و رضایت افرادی را که حقوق‌شان را تباه ساخته جلب نماید و اگر در طاعات و عبادات کوتاهی کرده، همه را قضا نماید. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «تا حق هر ذی‌حقی را ادا نکنی، توبه صورت نگرفته است».^۹

شخصی در حضور حضرت علی علیه‌السلام عبارت «استغفر الله» را بر زبان آورد. حضرت به وی فرمود: «آیا می‌دانی استغفار چیست؟» آن‌گاه فرمودند: «برای آن شش چیز لازم است: ندامت از گذشته، عزم بر ترک آن برای همیشه، ادای حقوق دیگران، و نیز گواهی که از حرام روییده با اندوه آب کنی تا گوشت جدید بروید، زحمت عبادت را بجشی، همان‌گونه که شیرینی گناه را چشیده‌ای و هرگاه چنین کردی بگو استغفر الله».^{۱۰}

توبه، چهار مرتبه دارد:

۱. بازگشت از کفر به ایمان و از ایمان عادت و موروثی به باوری معرفتی، و دست برداشتن از اعتقادات موهوم، باطل و خرافی.

۲. بازگشت از معصیت - چه کوچک و چه بزرگ - به سوی طاعت، و از تمرد به بندگی، و از مخالفت به موافقت.

۳. بازگشت از مکروهات و نیت‌ها و خواطر شیطانی و امور لغو و بیهوده، که اگرچه عقاب‌آور نیستند، ولی موجب نقصان در نفس و تنزل مقامات معنوی می‌شوند.

۴. بازگشت از کوتاهی‌ها یا تقصیرات در معرفت حق و شکرگذاری در برابر نعمت‌های الهی و انجام وظایف بندگی، آن‌چنان که شایسته و سزاوار خداوند متعال و یا لااقل در حد توان بنده است.

پی‌نوشت

۱. معراج‌الساده، ملا احمد نراقی، ص ۲۶.
۲. مجمع‌البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۲۰۱.
۳. سوره فرقان، آیه ۷۰.
۴. سوره فرقان، آیه ۷۱.
۵. تفسیر المیزان، ج ۹، ذیل آیات ۴۶ و ۱۱۸ سوره توبه. تاریخ پیامبر اسلام، آیتی، ۶۳۹ - ۶۴۰.
۶. معارف و معاریف، ج ۳، ص ۷۰۲ - ۷۰۳.
۷. بحارالانوار، مجلسی، ج ۶، ص ۲۷.
۸. اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۵۰۴.
۹. همان، ص ۳۳۱.
۱۰. بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۶.

راستین و حقیقی نخواهد بود. وانگهی بنده، در چنین حالاتی به حسنات و ترک بدی‌ها مجبور و از حد تکلیف خارج شده و دیگر مستحق تشویق و تنبیه نیست.^۶

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «به داوود پیامبر وحی آمد که چون بنده مؤمنم مرتکب گناهی شود و به سویم بازگردد و هرگاه به یاد معاصی خویش افتد و از من شرمسار گردد، وی را بیمارزم و خلافتش را از یاد فرشتگان نگهبانش ببرم و آن گناه را به حسنه مبدل سازم که از هر مهربانی مهربان‌ترم».^۷

توبه برای مؤمنان؟

قرآن در ذکر اوصاف مؤمنان راستین، به همین ویژگی توبه توجه زیادی نموده است. سؤال این است که اگر شخصی به خدا ایمان دارد، پس چرا این ویژگی درباره‌اش ذکر شده است؟

جواب، این است که: آنان در راه راست در تلاشند، اما گاهی اشتباه می‌کنند و غافل می‌شوند؛ لذا راه صحیح برای‌شان باز است. اینان، در راه رسیدن به پروردگارشان، در تلاشند و امکان دارد گاهی سختی‌ها و مشکلات، آن‌ها را ناامید کند و یا وقتی به سختی‌ها دچار می‌شوند، جزع و فزع و فریاد کنند.

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «به داوود پیامبر وحی آمد که چون بنده مؤمنم مرتکب گناهی شود و به سویم بازگردد و هرگاه به یاد معاصی خویش افتد و از من شرمسار گردد، وی را بیمارزم و خلافتش را از یاد فرشتگان نگهبانش ببرم و آن گناه را به حسنه مبدل سازم که از هر مهربانی مهربان‌ترم»

توبه، آدمی می‌تواند این کاستی‌ها را برطرف کند و چون خداوند، علیم و حکیم است و به این ضعف‌ها و نقص‌های بشر آگاه است و می‌داند انسان در راه کمال، گاهی دچار اشتباه و خلاف می‌شود، لذا در توبه را برایش باز می‌گذارد و با اصلاح مسیر، به بنده‌اش اجازه می‌دهد، تا راه خود به سوی کمال را ادامه دهد. خدا می‌خواهد آدمی در تلاش به سوی حقیقت، سبک‌بار باشد؛ دلربایی‌ها، امیال نفسانی و شهوانی، او را سنگین ننماید و ناذبه‌های غلط، او را فریب ندهد.

فره‌گیری از شادی‌های مشروع و نعمت‌های الهی، به شرط آن که در حد اعتدال باشد، همه فرع و شاخ و برگ آن سعادت واقعی است و نباید کمال‌طلبی ما را تحت شعاع قرار دهد. راننده‌ای که به سوی هدفی در حرکت است، می‌تواند در پارک‌ها و قهوه‌خانه‌های سیر توقف کند، ولی باید بداند که نباید از مقصد اصلی باز بماند. فرصت‌ها کوتاهند و شیطان در کمین و توفان‌ها در حال وزیدن. مبادا باتلاق‌ها را با چشمه‌های ناب یکی